

بررسی نظریه تأثیر تقلید بر رفتار اجتماعی گابریل تارد

مرتضی آذریان قهفرخی

morteza.azaryan@yahoo.com

خلاصه

گابریل تارد جرم شناس و جامعه شناس فرانسوی است که در پی شناخت علل افزایش تخلفات و جنایاتی که توسط توده های تحریک شده انجام می گیرد در سال ۱۸۹۰، قوانین تقلید را نوشت. نقطه عزیمت نظریه تارد، تأکید بر این مسئله است که آیا عامل اصلی جنایات بر پایه طبیعت زیستی افراد است و یا منشا اجتماعی دارد؟ تارد با بررسی طبیعت جنایتهای مختلف، «تقلید» را علت واقعی و اساسی وقوع جرائم اجتماع اعلام کرد و دامنه آن را تا آنجا وسعت بخشید که جامعه بدون تقلید را غیر قابل تصور دانست. تقلید از نظر او، نوعی واکنش مشروط است که می تواند بسیاری از مسائل مورد قبول جامعه مثل تصورات قالبی (ثابت)، مد و امثال آن را تبیین کند.

کلمات کلیدی: نظریه تأثیر تقلید، رفتار اجتماعی، گابریل تارد

مقدمه

اواخر قرن نوزده و اوایل قرن بیستم، توسعه و ترقی جامعه شناسی بود. در این دوره جامعه شناسان مشهوری در تحلیل رشته جامعه شناسی، تلاش های علمی زیادی از خود نشان داده اند اما نقش جامعه شناسان فرانسه از دیگران بیشتر بوده است. دانشمندان فرانسه احوال و حوادث اجتماعی را از ابعاد مختلف و زاویه های متنوعی مورد بحث قرار داده اند و حقا به نظریات عمومی بدیعی، در این زمینه نایل آمده اند. در مقابل دانشمندان جامعه شناس آمریکا، نظریات دیگری در برابر نظریات دانشمندان فرانسه ابراز داشته اند که جامعه را از منظر دیگری مورد مطالعه قرار داده اند.

شاید مهم ترین مناقشاتی که در این زمینه صورت گرفته، دو جریان فکری عمیق است که یکی روان شناسی اجتماعی به وسیله گابریل تارد و دیگری جبر و دترمینیسم اجتماعی است که توسط امیل دورکیم صورت گرفته است.

به نظر گابریل تارد مهم ترین عامل اجتماعی در حیات جمعی، عمل «تقلید و محاکات» است. دلیل این دانشمند بر تعیین اجتماعی عامل تقلید و محاکات، این است که قطعاً ابتکار و اختراع در زمینه های مختلف فکر و اندیشه و عمل و زندگی، تنها به دست عده ای محدود و مشخص صورت می گیرد و طبیعی است که کار ابتکاری این معدود نخبگان و مخترعان، در میان دیگر افراد و بطور طبیعی در میان جامعه از طریق تقلید و تبعیت پذیری گسترش درمی یابد، لذا این دانشمند تلاش کرد که (قوانین تقلید) را تضمین کند و توسعه دهد و «بر نظریه» اجتماعی خود: تئوری پردازی نماید.

0) مببحث نخست : مفهوم و ماهیت تقلید :

« تقلید در لغت به معنی گردن انداختن ، به گردن آویختن و پیروی کردن از کسی بدون تامل و اندیشه است . گویا تقلید کننده ، گفتار و رفتار دیگران را همچون قلابه به گردن خویش می آویزد.»^۱

^۱ - . دهخدا ، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، انتشارات دانشگاه تهران، جلد ۹ ، سال ۶۲ ، ص ۸۹۸

کنفرانس ملی فقه، حقوق و روانشناسی



تقلید، که در روان‌شناسی بالینی "الگو برداری" یا "یادگیری مشاهده‌ای" نیز نامیده می‌شود، در رشد و پرورش رفتارهای انسان، مکانیسم مهمی است. برخی از^۱ را از مفهوم تقلید و یادگیری مشاهده‌ای در درمان اختلالات رفتاری استفاده کرده‌اند نظریه پردازان یادگیری اجتماعی بنظر تارد، در جامعه‌شناسی همه چیز به روابط بین افراد خلاصه می‌شود. لذا اجتماع از گروهی از مردم تشکیل شده است که به تقلید از یکدیگر مشغول می‌باشند. او به دو نوع تقلید معتقد بود:

۱- تقلید آداب رسوم بین نسلها. یعنی آنچه نسلی از نسل دیگر اخذ میکند و مورد تقلید قرار می‌دهد.

۲- تقلید مراسم و عادات بین افراد زمان حال. بدین صورت که آنچه یکی از دیگری ببیند و مقبول طبعش قرار گیرد، میپذیرد و تقلید میکند.^۲

تارد می‌نویسد که ساختمان اجتماع بر خصائص فردی بنا نهاده شده که مهمترین آنها حس تقلید است. افراد در خردسالی به تقلید از رفتار بزرگسالان می‌پردازند و در جوانی تحت تأثیر عنوان و شهرت اشخاص، از اعمال و کردار آنان. این محقق معتقد است که تأثیر عوامل جسمانی را در ایجاد جرائم نمیتوان انکار کرد. زیرا بطور تحقیق در آفریدن آنها نقشی ایفا میکند. ولی بدون شک، بزهکاری آفریده محیط اجتماعی است که باعث توسعه و رشد نفوذ و تسلط همه عوامل میشود و گرنه هیچ پدیده‌ای خوب خود قادر نیست نقش مهمی در ارتکاب جرم بازی نماید. روانشناسی قاتل در واقع روانشناسی تمام مردم است. برای شناختن آنچه که در قلب او میگذرد کافیهست که به قلب خودمان رجوع کنیم و آنرا عمیقاً مورد بررسی قرار دهیم تا به همه ناشناخته‌ها پی ببریم و واقعیت را لمس نماییم. بر اثر اعتقاد شدیدی که تارد به نفوذ و تأثیر محیط اجتماعی دارد، مینویسد که بوسیله قدرتهای کششی روانی-جسمانی مرتکب عمل خلاف نمیشود بلکه سفارشها، تلقینات، سرمشقها و نمونه‌هاست که باعث گرایش او بطرف اعمال ضد اجتماعی میشود بنابراین اثرات روانی-اجتماعی است که از یک انسان سالم، موجودی ناسازگار می‌آفریند و او را بسوی بزهکاری میراند. تارد برای اثبات عقیده فوق مینویسد: با رفقای بد و ناباب معاشرت کنید، خودپرستی، تکبر، حرص، نفرت و تنبلی را آزاد بگذارید تا بطور نامتناسب رشد کنند، جلوی احساسات رفیق را بگیرید و قلبتان را حساس نمایید، از اوان کودکی با مشت و لگد بجنگ و جدل پردازید، بشکنجه‌های جسمانی دست بزنید، در برابر بدیها و آزارها قوی باشید و ایستادگی کنید و حساسیت و ضعف از خود نشان ندهید، بطور تحقیق دیری نخواهد پایید که موجودی بیرحم، بی‌عاطفه زودخشم و انتقامجو بار می‌آید. بنابراین واقعا بخت بلندی خواهید داشت اگر در طول زندگیتان، کسی را به قتل نرسانید.^۴

^۱ تاد، جودیت و بوهارت، آرتور؛ اصول روان‌شناسی بالینی و مشاوره، ترجمه مهرداد فیروزبخت، تهران، رسا، ۱۳۷۹، چاپ اول، ص ۳۷۵ و ۳۷۶.

^۲ - آگبرن ویلیام و نیمکوف، مایر؛ زمینه جامعه‌شناسی، امیرحسین آریانپور، تهران، شرکت سهامی کتابهای جیبی، ۲۵۳۶، چاپ دهم، ص ۳۴.

^۳ Tarde. 1874.maisonneuve et Cie.P.334-

^۴ - «مجله مهنامه قضایی» آذر ۱۳۵۱ - شماره ۸۱

کنفرانس ملی فقه، حقوق و روانشناسی



•مبحث دوم : جایگاه تقلید

تارد معتقد است که حسن تقلید یکی از قویترین غرائز انسان است. کلیه اعمال مهم که در زندگانی اجتماع رخ میدهد، از یک نمونه و مثال الهام میگیرد. هر کس بهر عملی دست بزند یا حتی مانع انجام برخی امور شود، در اثر تقلید است. اگر مردم خود را میکشند یا مانع خود کشی میشوند بعلت تقلید از دیگرانست زیرا خود کشی پدیده ایست که بیش از همه مورد تقلید قرار می گیرد. به عقیده تارد، گرایش به تقلید در طبقات پایین اجتماع فراوان بچشم میخورد. این طبقه گفتار و رفتار طبقات بالای اجتماع را سرمشق خود قرار میدهد و از آنها پیروی میکند. قبلا اشرافیت مورد تقلید قرار میگرفت ولی امروز فساد موجود در پایتخت و برخی شهرهای بزرگ است که بوسیله عامل تقلید در روستاها رایج میشود و همه جا را در حیطه تصرف خود در میآورد، عادت به میخواری که به منزله امتیاز و برتری محسوب میشود از هومر و از برگزیدگان قرون وسطی سرچشمه گرفته و ولگردی به تقلید از زایران و مسموم کردن به تقلید از نجای قدیمی و بعد از آن انجام شده است. تارد گاهی فراتر می نهد و میان دزدی و قتل با تقلید رابطه برقرار میکند و مینویسد که مردم آنقدر توانایی ندارند که بتوانند هر چه را مایلند ابداع نمایند. بنابراین نمیتوان پذیرفت که هر کس بنهای قادر است اعمالی استثنایی مانند جنایات را بوجود بیاورد. کسیکه معشوق را بعلت جنایتی که مرتکب شده است بقتل میرساند و از او انتقام میگیرد، اگر نداند که تپانچه یا فلان ماده سمی در موارد مشابه به مورد استعمال قرار گرفته است. در تمام مدت عمر باید رنج ببرد و یا آه و ناله زندگانی خود را سپری کند؛ در حالیکه شرح جنایات همراه با کلیه جزئیات نه تنها چنین ناراحتی را از میان می برد، بلکه دیگران را هم به تقلید وامیدارد.^۱ پدیده تقلید، صرفنظر از برخی جنبه های اغراق آمیزی که در نظرات تارد و برخی طرفداران او وجود دارد، حقیقتی است که اثر آنرا میتوان در اجتماع مشاهده نمود. مثلا یک دسته از کودکان که در محلی بازی میکنند، گاه اتفاق افتاده است که با بالا رفتن یکی از آنها از درختی، دیگران نیز بدون درنگ تقلید کرده و به پیروی از آنچه که او انجام داده است، پرداخته اند. گاهی اگر کودکی با پرتاب سنگ به نشانه گیری مبادرت نماید، دیده شده است که دیگران هم به جستجوی سنگ پرداخته اند تا در این نشانه گیری شرکت کنند. نهایت باید اذعان کرد نوع تقلید، بستگی تام بخصوصیات و منش های افراد دارد. مثلا یکی با دیدن عملیات قهرمانانه یک خلبان، چنین تمایلی را در خود بشدت احساس میکند و در نتیجه بطرف خلبانی رانده میشود تا همان عملیات را انجام دهد و دیگری با دیدن یک صحنه کشتی میل میکند بتقلید بردازد و کشتی گیر شود. بالاخره هر کس از چیزی که مورد پسندش قرار گیرد، تقلید میکند. بنابراین عده ای از لباس برخ از نحوه آرایش، دسته ای از اسلوب سخن گفتن، گروهی از طریقه راه رفتن، بوضعی از روش برخورد و معاشرت تقلید میکنند. مثلا زنها بیشتر مایلند در نحوه آرایش و پیرایش خود از دیگران مخصوصا از اشراف و هنرپیشه ها پیروی نمایند و مردها معمولا عملیات شجاعانه را دوست دارند و مایل بتقلید از اعمال و کار های قهرمانان میباشند. گرچه

^۱ - مهدی زاده، حسین، الگو شناسی، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، قم، چاپ اول، ۱۳۸۵

^۲ - کازنو، ژان (۱۳۸۱)، جامعه شناسی وسایل ارتباط جمعی، مترجم باقر ساروخانی و منوچهر محسنی، انتشارات اطلاعات، تهران، چاپ هفتم

کنفرانس ملی فقه، حقوق و روانشناسی



بطور قطع نمیتوان گفت که چه کسی از چه چیزی بطور کامل تقلید میکند زیرا همانطور که گفته شد خصلتها، تربیتها، اخلاق و روحیات متفاوت است ولی محققا هر کسی رفتار و اعمالی را مورد تقلید قرار میدهد که مطبوع طبعش واقع میشود و گاه ابتکار شخصی را هم در تکمیل آن بکار میبرد.^۱

تارد در تشریح عقیده خود در مورد پدیده تقلید، دلایل بسیاری ارائه داده که باعث ایجاد انتقاد فراوان شده است، بطوریکه عده‌ای از محققان علیه او شوریدند و در رد نظریاتش مطالب گوناگونی نوشتند. از جمله بالاتر از ضمن حمله شدید بتارد، مینویسد که اگر احتیاج بتقلید مخصوصا یکی از علل بسیار قوی اعمال غیراخلاقی است، این سؤال پیش می‌آید که چگونه اولین اشتباه رخ داد و کسیکه مرتکب چنین اشتباهی شد از چه کسی تقلید کرد که بعد مورد توجه دیگران قرار گرفت؟ از طرفی چرا تقلید در همه جا به یک صورت واحد و یک رنگ گسترش نمی‌یابد و در هر جا بشکلی تظاهر پیدا میکند. لوی برول نیز عقیده دارد که تارد در ابراز نظر راجع به (تقلید) که آنرا کلید هر تحول اجتماعی بشمار آورده، دچار اشتباه شده است زیرا تقلید هیچ چیزی را بیان نمیکند و مخصوصا قادر نیست که در تکوین جرم نقشی تعیین کننده و قاطع داشته باشد. اگرچه جنبه‌های اغراق آمیز در عقاید تارد فراوان بچشم میخورد و افراط او را در میان اهمیت فوق العاده که باین پدیده داده است نمیتوان نادیده انگاشت ولی مخالفان هم گاه در انتقادات و جملات زیاده‌روی کرده و در گفتار خود از واقعیت بدور افتاده‌اند. مثلا بالاتر از که سؤال میکند که استعداد چگونه پدید آمده تا بعد مورد تقلید قرار گیرد، استعدادهای فردی را فراموش میکند که میتواند خود بوجود آورنده بسیاری از رویدادهایی باشد که ابتدا بصورت ناقص پدید می‌آید ولی بتدریج، دیگران با افزودن ابتکارات خود آنها را تکمیل مینمایند.

• مبحث سوم: قوانین تارد و تاثیر آن در جرم شناسی

گابریل تارد در ادامه نظرات گوستاو لوبون، نظریه تقلید را بنیان نهاد. تارد (قاضی فرانسوی) با بررسی طبیعت جنایت‌های مختلف، تقلید را علت واقعی و اساسی وقوع جرایم اجتماعی اعلام کرد و دامنه آن را تا آن جا وسعت بخشید که جامعه بدون تقلید را غیر قابل تصور دانست. تارد مشاهده کرد که میزان تطابق افراد با یک اندیشه جدید اغلب تابع یک منحنی S شکل است. در ابتدا افراد کمی با ایده جدید خو می‌گیرند، سپس میزان تطابق به دلیل مقایسه زیادی از افراد با نوآوری افزایش می‌یابد. زیرا عده کمی برای تطبیق با نوآوری باقی می‌مانند. به نظر تارد، در جامعه شناسی همه چیز به روابط بین افراد خلاصه می‌شود. لذا اجتماع از گروهی از مردم تشکیل شده است که به تقلید از یکدیگر مشغول می‌باشند.

او به دو نوع تقلید معتقد بود:

۱. تقلید آداب رسوم بین نسل‌ها. یعنی آنچه نسلی از نسل دیگر اخذ می‌کند و مورد تقلید قرار می‌دهد.

^۱ - همان ص

^۲ - آنتونی، گیدنز، جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، نشر نی

کنفرانس ملی فقه، حقوق و روانشناسی



۲. تقلید مراسم و عادات بین افراد زمان حال. بدین صورت که آنچه یکی از دیگری ببیند و مقبول طبعش قرار گیرد، می‌پذیرد و تقلید می‌کند.

تارد می‌نویسد که ساختمان اجتماع بر خصائص فردی بنا نهاده شده که مهمترین آنها حس تقلید است. افراد در خردسالی به تقلید از رفتار بزرگسالان می‌پردازند و در جوانی تحت تأثیر عنوان و شهرت اشخاص، از اعمال و کردار آنان. این محقق معتقد است که تأثیر عوامل جسمانی را در ایجاد جرائم نمیتوان انکار کرد. زیرا بطور تحقیق در آفریدن آنها نقشی ایفا می‌کند. تارد معتقد است که حسن تقلید یکی از قوی‌ترین غرائز انسان است. کلیه اعمال مهم که در زندگانی اجتماع رخ می‌دهد، از یک نمونه و مثال الهام می‌گیرد. به عقیده وی، گرایش به تقلید در طبقات پایین اجتماع فراوان بچشم می‌خورد. این طبقه گفتار و کردار و رفتار طبقات بالای اجتماع را سرمشق خود قرار می‌دهد و از آنها پیروی می‌کند. قبلاً اشرافیت مورد تقلید قرار می‌گرفت ولی امروز فساد موجود در پایتخت و برخی شهرهای بزرگ است که بوسیله عامل تقلید در روستاها رایج می‌شود و همه جا را در حیطه تصرف خود در می‌آورد.

قوانین تقلید:

۱- مردم به تناسب میزان برخورد نزدیکی که با هم دارند، از یکدیگر تقلید می‌کنند. از این رو تقلید در شهرها شایع تر است و با سرعت بیشتری تغییر می‌یابد. در قانون اول دو کلید واژه ی "مد" و عرف از هم تفکیک می‌شوند.

مد ← تقلید با سرعت و تغییر بالا در نواحی شهری

عرف ← تقلید با سرعت و تغییر پایین در نواحی روستائی

نتیجتاً تارد بر طبق این قانون چنین استدلال می‌کند که: " جرم، همانند هر پدیده ی دیگری، با یک مد شروع شده و سپس به یک عرف تبدیل می‌گردد."

۲- معمولاً فرودستان از فرادستان تقلید می‌کنند. تارد پس از بررسی تاریخچه ی جرائمی مانند ولگردی، مستی و قتل عمد دریافت که آنها ابتدا توسط خاندان سلطنتی ارتکاب یافته، سپس از سوی تمامی طبقات مورد تقلید قرار گرفته اند. به همین گونه وی استدلال نمود: شعار فراوانی از جرمها ابتدا در شهرهای بزرگ به وجود آمده، سپس افراد ساکن در نواحی روستائی آنها را تقلید کرده اند.

۳- مدهای نوین جایگزین مدهای قدیمی می‌شوند. مثل کاهش قتل عمد با استفاده از چاقو و افزایش استفاده از اسلحه در منازعات.

دیدگاهها:

۱ - معتمدنژاد، کاظم؛ وسایل ارتباط جمعی، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۸۵، چاپ پنجم، جلد اول، ص ۱۶۶ و ۱۶۷.

کنفرانس ملی فقه، حقوق و روانشناسی



از آنجایی که این نظریه، نخستین تلاش برای توصیف رفتار مجرمانه بر اساس یادگیری بهنجار می باشد هنوز هم تا اندازه ای اهمیت خود را برای جرم شناسان حفظ کرده است. گرچه یکی از بزرگترین ایراداتی که به این نظریه گرفته می شود، اتکای آن بر یک مدل ساده انگارانه ی یادگیری است. البته بعدها نظریه های دیگری بر پایه و تکمیل نظریه تارد به وجود آمد که از آنها میتون به نظریه ی معاشرت ترجیحی ساترلند اشاره کرد. تلاشهایی که شعار فراوانی از دانش پژوهشان برای تبیین رفتار مجرمانه بر مبنای دانش ها و ارزشهای کلی انجام داده اند، همانند اصل کام روایی، تلاش برای به دست آوردن پایگاه اجتماعی و انگیزه های پولی یا ناکامی بیهوده بوده، (تلاشهای بعدی در این زمینه نیز) بیهوده خواهد بود، زیرا، این ارزشها و دانشها، به همان اندازه که رفتار قانونی را تبیین می کنند، رفتار مجرمانه را نیز تبیین می نمایند. آنها به تنفس شبیه اند که برای هر رفتاری ضروری است، ولی رفتار مجرمانه را از رفتار نا مجرمانه متمایز نمی کند.

نتیجه گیری کلی :

در این تحقیق سعی شد تا نظریه تقلید یا به عبارتی یادگیری اجتماعی مبتنی بر نظریه تارد بررسی و به تصویر کشیده شود، در ابتدا چند کلامی راجب کلمه تقلید و ماهیت و ضرورت تقلید سخن گفتیم و دریافتیم تقلید یک امری ذاتی است چرا که انسان دوست دارد خود را شبیه کسانی که به نوعی با آنها وابستگی دارد نماید و از آنها تقلید کند، سپس با پایه گذار این نظریه که گابریل تارد بود آشنا شدیم و به بررسی نظریه و قوانین او پرداختیم در پایان نیز سخن از ادامه دهنده نظریه او یا به قول استاد ارزشمندم (دوستان تارد) رفتیم و نظریه ساترلند را نیز در باب معاشرت ترجیحی مورد شرح بررسی قرار دادیم. هرچند نظریه تارد و دوستان نظریه تا حدودی صحیح و قابل استفاده است چرا که بعدها دانشمندان فراوانی از او الهام و در این مورد به ایراد نظریه پرداختن، حتی دانشمندانی از جمله ابن خلدون، ارشطو و از معاصرین استاد شهید مطهری در این مورد در کتب خود مطالبی را باب تقلید بیان نموده اند، ولی ایراداتی نیز به این نظریه وارد است که عبارتند از :

- ۱- انسان را موجودی منفعل و کاملاً بی اراده فرض کرده اند .
 - ۲- در این نظریه به ساختار اقتصادی و اجتماعی اشاره نشده و وجود ندارد .
 - ۳- فراگیری تکنیکی در همه جرایم وجود ندارد حال اینکه به این نکته توجه نشده است .
- البته گفتن این نکته خالی از لطف نیست که به دلیل این که جرم یک مقوله کیفی است نه کمی به نظر میرسد نظریه ها یی که وجود دارند در زمان و شرایط خود شاید از بهترین نظریه ها بوده اند .

۱ - پارسا، محمد؛ زمینه نوین روانشناسی، تهران، بعثت، ۱۳۸۳، چاپ بیستم، ص ۲۱۷.

کنفرانس ملی فقه، حقوق و روانشناسی



مراجع:

- ۱- آگبرن ویلیام و نیمکوف، مایر؛ زمینه جامعه‌شناسی، امیرحسین آریانپور، تهران، چاپ دهم
- ۲- تاد، جودیت و بوهارت، آرتور، (۱۳۷۹)، اصول روان‌شناسی بالینی و مشاوره، ترجمه مهرداد فیروزبخت، تهران
- ۳- ثقفی، سید محمد، (۱۳۷۹)، ابن‌خلدون نخستین جامعه‌شناس مسلمان؛ تهران
- ۴- ساروخانی، باقر، (۱۳۷۵)، جامعه‌شناسی ارتباطات، تهران: نشر اطلاعات،
- ۵- دهخدا، علی‌اکبر، (۱۳۶۲)، لغت‌نامه دهخدا، انتشارات دانشگاه تهران، جلد ۹
- ۶- کازنو، ژان، (۱۳۸۱)، جامعه‌شناسی وسایل ارتباط جمعی، مترجم باقر ساروخانی و منوچهر محسنی، انتشارات اطلاعات، تهران، چاپ هفتم
- ۷- کاوه، محمد، (۱۳۹۱)، آسیب‌شناسی بیماری‌های اجتماعی (جلد اول)، تهران: نشر جامعه‌شناسان
- ۸- مهدی‌زاده، حسین، (۱۳۸۵)، الگوشناسی، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، قم، چاپ اول
- ۹- صلاحی، جاوید، (۱۳۹۳)، انتشارات مجد
- ۱۰- معتمدنژاد، کاظم، (۱۳۷۹)، روسایل ارتباط جمعی، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی (چاپ دوم)
- ۱۱- پارسا، محمد، (۱۳۸۳)، زمینه‌نویین روان‌شناسی، تهران، بعثت، چاپ بیستم
- ۱۲- نیکبخت، سارا، (۱۳۹۳) کیفرشناسی، انتشارات آوا